

اسطوره در جهان امروز

جلال ستاری

۱	پیشگفتار	۱
۲	پیش اول: در غرب	۲
۳	۱- معرفی	۳
۴	۲- استادگی و پایداری اسطوره	۴
۵	۳- اسطوره‌های سحرآمیز و سحرآمیز (۱) و جمعیت در ایران	۵
۶	۴- اسطوره‌های سحرآمیز و سحرآمیز (۲) و جمعیت در ایران	۶
۷	۵- اسطوره‌های سحرآمیز و سحرآمیز (۳) و جمعیت در ایران	۷
۸	پیش دوم: در ایران	۸
۹	۱- تصور زوال محتوم غرب	۹
۱۰	۲- اسطوره‌ها عصر زمین	۱۰
۱۱	۳- نتیجه	۱۱



نشر مرکز

پیشگفتار

اسطوره به دو معنای واژه: داستانی «راست» و کاری الگو و نمونه که فرهنگساز است و یا افسانه‌پردازی و پندارنایی، در جهان امروز رواج دارد. صاحب‌نظرانی چون: میرچا الیاده و ژیلبردوران و دنی دو روژمون و کارل گوستاو یونگ، ثابت کرده‌اند که اسطوره‌های کهن، به مفهوم نخست کلمه، در جامعه‌ای نو یا مبدل، بشر قرن بیستم را همانند نیاکانش،

- ۱ پیشگفتار
- ۳ بخش اول: در غرب
- ۴ ۱ تعریف
- ۱۱ ۲ ایستادگی و پایداری اسطوره
- ۲۳ ۳ اسطوره‌های نوین غرب (۱)
- ۳۵ ۴ ویژگی‌های اسطوره بورژوازی
- ۵۵ ۵ اسطوره‌های نوین غرب (۲)
- ۶۹ بخش دوم: در ایران
- ۷۰ ۶ تصور زوال محتوم غرب
- ۱۷۸ ۷ اسطوره عصر زرین
- ۲۱۱ ۸ نتیجه

روشهایی که علم توضیح و تفسیر معانی (herméneutique) باب کرده است، در آن می‌نگرند، و این خود، پهناوری و پیچیدگی قلمرو دانش اساطیر را معلوم می‌دارد و ناگفته پیداست که طرح چنین مطلبی، منظور نظر و موضوع سخنان نیست، و با اینهمه ناگزیریم که برای روشن شدن موضوع و امکان‌پذیر ساختن بحث و فراهم آوردن زمینه بررسی، تعریفی اختیار کنیم. پس با توجه به آنچه گذشت، ضمن ساده کردن بیش از اندازه مطلب، من چنین عنوان می‌کنم که به طور کلی می‌توان گفت از اسطوره دو تعریف متضاد در دست است: نخست تعریف علمای اسطوره‌شناس معاصر که در آن «معنا»یی رمزی می‌یابند و دو دیگر تعریف مرسوم و متداول تا زمان حاضر که آنرا «بی‌معنی» پنداشته است؛ یا درست‌تر بگویم بعضی از واژه اسطوره (mythe) فقط داستانی موهوم (fiction, fable) مراد می‌کنند و برخی دیگر الگوی لازم‌الاتباع، اسوه حسنه که منشاء فوق انسانی دارد و همچون سنتی مقدس، از پیشینیان به بازماندگان می‌رسد.^(۱) بیگمان این تقسیم‌بندی، بسیار کلی و بنابراین تا اندازه‌ای نادرست است، اما حسش اینست که ظرف یا قالبی است که همه تعاریف قابل اعتنای اسطوره در آن می‌گنجند. اما در باب تعریف نخست، خاطر نشان می‌سازم که اسطوره‌شناسان نامدار عصر ما: سنت‌گرایان (رنه گنون René Guénon، تیتوس بورکهارت T. Burckhardt، فریتیوف شوئون F. Schuon) و روانکاوان (فروید، کارل گوستاو یونگ، کارل آبراهام، ارنست جونز، اتورانک...) و ساختارگرایان (کلودلوی استروس، ژرژ دومزیل و

۱- ر.ک به:

René Alleau : *La science des symboles. Contribution à l'étude des principes et des méthodes de la symbolique. générale.* Payot, 1976.

از صفحه ۲۰۹ به بعد.

تعریف

برای آنکه بدانیم اسطوره‌های امروزی روز کدامند، نخست باید اسطوره را تعریف کنیم و این کاری آسان نیست خاصه که در این مقوله، اتفاق یا وحدت نظر وجود ندارد. موضوع سخن، البته شناخت دقیق اسطوره و خصائص و کنشهایش و مباحثات و مجادلاتی که در این باره شده است و هنوز هم می‌شود نیست؛ اما برای روشن شدن مقصود، لازم است از آغاز بر سر تعریفی توافق کنیم و آن تعریف را مبنای پژوهش خویش قرار دهیم. بیگمان تعریف اسطوره به نظرگاه اسطوره‌شناس و اسطوره پژوه بستگی دارد و هر مکتب از روانکاوی گرفته تا پدیدارشناسی و ساختارگرایی و جز اینها، در اسطوره به نحوی خاص، مطابق با اصول و موازین مقبول، نظر کرده است و قصد ما ورود در این مبحث پیچیده دراز دامن نیست و برای مزید بصیرت خوانندگان ارجمند، تنها به این اشاره بسنده می‌کنیم که امروزه دانش اسطوره‌شناسی، بحث یا مقوله‌ای منحصراً ادبی و زبانشناختی نیست که به کمک رسالات «علم» بلاغت و معانی و بیان بتوان بدان پرداخت، بلکه حوزه‌ای است که محققان دوران ما از دیدگاه‌های علوم اجتماعی و انسانی (قوم‌شناسی، انسان‌شناسی، روانکاوی...)، با